

قرآن و حیات طیبه

احد داوری * _ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده الهیات

چکیده:

نویسنده در این مقاله سعی کرده‌است به بررسی مفهوم حیات طیبه در قرآن، با کمک آیات قرآن بپردازد، وی در این زمینه آیه ۹۷ سوره نحل یعنی آیه «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنجیینه حیوه طیبه» را محور قرار داده و با بررسی معنای لغوی حیات و طیبه و با ذکر موارد کاربرد آنها در قرآن همچنین با شمردن نتایج ایمان و عمل صالح که در بسیاری از آیات در کنار هم ذکر شده‌اند؛ نتیجه می‌گیرد که خداوند به هر فرد مومنی که عمل صالح انجام دهد نوعی حیات واقعی می‌بخشد، این حیات که در قرآن از آن به «حیات طیبه» تعبیر شده‌است «محو شدن در ذات باریتعالی» است و به هریک از مؤمنان به تناسب عمل صالحی که انجام می‌دهند مرتبه‌ای از آن را عطا می‌فرماید. واژگان کلیدی: قرآن، ایمان، عمل صالح، حیات، طیبه.

«من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبه» ۱۶

امروزه مطالعه و پژوهش در بخش معارف قرآنی از اهمیتی فراوان برخوردار است و آنچه که در این راستا بر اهمیت مطلب می‌افزاید آن است که معارف قرآن از خود قرآن بررسی شود؛ به دیگر سخن با کمک آیات قرآن، نظر خود قرآن درباره مطلبی خاص مورد کنکاش قرار گیرد و نوعی تفسیر قرآن به قرآن در مورد مطلبی خاص ارائه گردد، یعنی همان کاری که برخی مفسران از آغاز حیات اسلام به آن روی آورده‌اند ۱۷ ولی اعمال و تبیین روش «تفسیر قرآن به قرآن» در عصر حاضر به صورتی نوین متداول گشته است ۱۸ که نمونه کامل و بارز آن را می‌توان تفسیر المیزان علامه طباطبایی دانست.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، بررسی قرآنی «حیات طیبه» می‌باشد؛ یعنی تبیین و آشکار نمودن معنای «حیات طیبه» با کمک گرفتن از خود قرآن کریم که در بیشتر موارد برای توضیح مقصود بیش از هر چیز از آیات قرآن استفاده شده است و البته در این راستا روایات ائمه اطهار علیهم السلام، لغت و ادبیات عرب، قراین عقلی، داده‌های علمی و هر چیزی که امکان کمک گرفتن از آن بوده است (به فراخور دانش و آگاهی خود)، نادیده گرفته نشده است.

باید این نکته را خاطر نشان کرد که نیازهای انسان دوگونه است: نیازهایی که در طول تاریخ هیچ نوع تغییری نداشته‌اند و دسته دیگر نیازهایی هستند که به تناسب مکان و زمانی که در آن قرار می‌گیرند، ایجاد می‌شوند و بی‌شک در محیط‌های گوناگون متفاوت است، برای پاسخگویی به نیازهای دسته اول آیات قرآن خود بهترین مبین هستند و نیاز به فعالیت خاص علمی برای پاسخیابی به آنها نیست و از ظواهر قرآن می‌توان بسیاری از این نیازها را پاسخ داد. به عنوان نمونه حس فطری نیاز به پرستش که در طول تاریخ برای انسان مطرح بوده است؛ در قرآن بارها و بارها به آن اشاره شده است.

بررسی نیازهای متغیر و تطبیق محیط‌های گوناگون با آیات قرآن، در مرحله اول محتاج به تبیین و تشریح صحیح آیات قرآن و اعمال این مطالب بر زندگی روزمره، در مرحله بعدی است (البته با توجه به شرایط خاص این اعمال یا تطبیق که در جای خود باید بحث شود).

با توجه به آنچه ذکر شد، این نوشتار فقط پاسخ به نیازهای دسته اول را بر عهده دارد و راه را برای بررسی نیازهای دسته دوم باز کرده است؛ چراکه مساله را به صورت علمی مورد کنکاش قرار داده است و «تطبیق» را به مجال دیگری واگذار کرده است که خود نیازمند نوشتن مقاله و چه بسا کتبی دیگر است.

قرآن به منظور هدایت همگان تنزل یافته است، همه انسان‌هایی که در پهنه زمین و گستره زمان به سر می‌برند، از نور رهنمود آن برخوردار خواهند شد و در فهم معارف قرآن، نه فرهنگ خاصی معتبر است که بدون آن، نیل به اسرار قرآن میسر نباشد و نه تمدن مخصوصی مانع است که با وجود آن، بهره‌مندی از الطاف میسر نگردد، نه عربیت شرط راهیابی به حقایق قرآن است و نه عجمیت مانع رسیدن به ذخایر معرفتی آن، قرآن نذیر عالمین و هادی همه انسان‌هاست، از این رو زبان آن نیز آشنای فطرت همگان است. ۱۹

از آنجایی که انتقال مفاهیم بدون استفاده از الفاظ میسر نیست، لذا لازم است به طور مختصر به بررسی واژگانی که اهمیتی ویژه برای تحقیق دارند بپردازیم تا فرایند انتقال پیام ناکام نماند و منظور اصلی نویسنده به طور کامل به مخاطب منتقل گردد.

قرآن

□ ۱۶- نحل: ۹۷.

□ ۱۷- ر.ک. رجبی، محمود، روش‌شناسی تفسیر قرآن، صص ۲۶۳-۲۶۷.

□ ۱۸- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، ص ۳۶۱.

□ ۱۹- جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، ص ۳۵۳.

قرآن کتابی است نازل شده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ۲۰ که به آن فرقان ۲۱، ذکر ۲۲، تنزیل ۲۳ و کتاب ۲۴ نیز گفته می‌شود؛ مجموع کلمات و آیات نازل شده بر پیامبر اسلام است که پیش از هجرت و پس از آن در مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای گوناگون به طور پراکنده نازل شده است، سپس گردآوری شده و به صورت مجموعه کتاب درآمده است ۲۵ و این کلمات و عبارات از هر جهت اعجاز آمیز بوده و بیانی است که از طریق وحی نازل گردیده و در مصاحف و دفاتر گردآمده و به تواتر به ما رسیده و قرآن موجود همان کلام الهی است که مردم مأمور به قرائت و عمل به مضامین آن می‌باشند و هیچ گونه دستبرد و تحریف و زیادت و کاستی در آن راه نیافته است ۲۶. کتابی است که بیانی برای مردم و رهنمود و اندرز برای پرهیزکاران ۲۷، بینش‌بخش و رحمت برای قومی که یقین دارند ۲۸، حقیقتی یقینی ۲۹ که در حقایق آن هیچ تردیدی نیست ۳۰ و هیچ باطلی در آن راه ندارد ۳۱ و به آیینی راهبری می‌کند که پایدارتر است ۳۲ و اگر همه موجودات گرد هم آیند تا نظیرش را بیآورند مانند آن را نخواهند آورد ۳۳ و ما می‌خواهیم بدانیم مجموعه‌ای با این توصیفات در مورد «حیات طیبه» چه نظری دارد.

حیات

حیات یکی از مخلوقات خداوند ۳۴ که دارای دو معنی است: یکی «حیات» در برابر مرگ و دیگری «حیاء» نقطه مقابل وقاحت و بی‌شرمی ولی بعضی از محققان هر دو را به یک ریشه بازگردانده‌اند و گفته‌اند حیاء و استحیاء نیز نوعی طلب حیات و سلامت است در برابر وقاحت و بی‌شرمی که نوعی از دست دادن زندگی و سلامت محسوب می‌شود ۳۵. حیات در قرآن کریم در چندین معنی متفاوت به کار رفته است ۳۶:

-
- ۲۰ - کتاب انزلناه لیک، ابراهیم: ۱. و اوحی الی هذا القرآن؛ انعام: ۱۹.
 - ۲۱ - تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده؛ فرقان: ۱.
 - ۲۲ - انا نحن نزلنا الذکر؛ حجر: ۹. و انزلنا الیک الذکر؛ نحل: ۴۴.
 - ۲۳ - و انه لتنزیل رب العالمین؛ شعراء: ۱۹۲.
 - ۲۴ - و اذکر فی الكتاب...؛ مریم: ۵۶، ۵۴، ۴۱، ۱۶.
 - ۲۵ - معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، ص ۳۱.
 - ۲۶ - حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۷.
 - ۲۷ - هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین؛ آل عمران: ۱۳۸.
 - ۲۸ - هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون؛ جاثیه: ۲۰.
 - ۲۹ - و انه لحق الیقین؛ حاقه: ۵۱.
 - ۳۰ - ذلک الكتاب لا ریب فیہ؛ بقره: ۲.
 - ۳۱ - لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه؛ فصلت: ۴۲.
 - ۳۲ - ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم؛ اسراء: ۹.
 - ۳۳ - لئن اجتمعت الانس و الجن ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا؛ اسراء: ۸۸.
 - ۳۴ - الذی خلق الموت و الحیاه؛ ملک: ۲.
 - ۳۵ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، ج ۴، ص ۲۰۰.
 - ۳۶ - همو، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۲۷ و ۱۲۸ و راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۱-۲- زندگی نباتی گیاهان و حیوانات

ان الله يحيى الارض بعد موتها ۳۷

واحيينا به بلدة ميتا ۳۸

وجعلنا من الماء كل شيء حي ۳۹

يحيى الارض بعد موتها ۴۰

و ينزل من السماء ماءً فيحيى به الارض بعد موتها ۴۱

۲-۲- زندگی حیوانی

رب ارنى كيف تحيى الموتى ۴۲

ان الذى احياء لمحيى الموتى ۴۳

اذ قال ابراهيم ربي الذى يحيى يميت قال انا احيى و اميت ۴۴

انى يحيى هذه الله بعد موتها ۴۵

۳-۲- حیات فکری و عقلانی

أو من كان ميتا فأحييناه ۴۶

۴-۲- زندگی جاویدان در جهان دیگر

يا ليتنى قدمت لحياتى ۴۷

وان الدار الاخره لهى الحيوان ۴۸

□ ۳۷- حدید: ۱۷.

□ ۳۸- ق: ۱۱.

□ ۳۹- انبیاء: ۳۰.

□ ۴۰- روم: ۱۹.

□ ۴۱- روم: ۲۴.

□ ۴۲- بقره: ۲۶۰.

□ ۴۳- فصلت: ۳۹.

□ ۴۴- بقره: ۲۵۸.

□ ۴۵- بقره: ۲۵۹.

□ ۴۶- انعام: ۱۲۲.

□ ۴۷- فجر: ۲۴.

۲-۵- نجات از مرگ

و من احياءها فکانما احيا الناس جميعا ۴۹

۲-۶- حیات واقعی که فقط در مورد ذات باری تعالی به کار می‌رود:

الله لا اله الا هو الحي القيوم ۵۰

وعنت الوجوه للحي القيوم و قد خاب من حمل ظلما ۵۱

و توکل علی الحي الذی لا یموت ۵۲

هو الحي الذی لا اله الا هو ۵۳

همانطور که در تقسیم‌بندی فوق مشاهده می‌شود حیات معنی گسترده‌ای دارد که از همه بالاتر در مورد خداوند به کار می‌رود؛ زیرا حیات حقیقی و ازلی و ابدی و ثابت و پایدار که هیچ‌گونه مرگ و حیاتی در آن نیست فقط حیات خداوند است. حیات در مورد خداوند با آنچه در مورد انسان و حیوان گفته می‌شود متفاوت است، حیات او حیات حقیقی است؛ زیرا عین ذات اوست، نه عارضی است و نه موقت. حیات در او به معنای علم و قدرت است؛ چراکه نشانه اصلی حیات این دو است. او نه تنها قائم به ذات خویش است که قیام موجودات دیگر و ربوبیت و تدبیر آنها در تمام امور به اوست، کوتاه سخن اینکه حیات او هیچ شباهتی به حیات سایر موجودات زنده ندارد، حیات او «ذاتی»، «زلی»، «بدی»، «تغییر ناپذیر» و «خالی از هرگونه نقص و محدودیت» است، حیات او بیانگر احاطه علمی او به هرچیز و توانایی او به هر کار است ۵۴.

تقسیم بندی دیگری نیز از حیات به اعتبار دنیا و آخرت صورت می‌گیرد ۵۵ که قسم اول «حیات دنیوی» و قسم دوم «حیات اخروی» نام می‌گیرد و در برخی از آیات از این نوع تقسیم‌بندی استفاده شده است:

فاما من طغی و اثار الحیوة الدنیا ۵۶

اولئک الذین اشتروا الحیوة الدنیا بالآخرة ۵۷

و ما الحیوة الدنیا فی الآخرة الا متاع ۵۸

۴۸ - عنکبوت: ۶۴.

۴۹ - مائده: ۳۲.

۵۰ - بقره: ۲۵۵- آل عمران: ۲.

۵۱ - طه: ۱۱۱

۵۲ - فرقان: ۵۸.

۵۳ - غافر: ۶۵.

۵۴ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، ج ۴، ص ۲۰۲.

۵۵ - راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۹۹.

۵۶ - نازعات: ۳۸.

۵۷ - بقره: ۸۶.

بررسی معنای حیات را با تذکر نکات زیر به پایان می‌بریم:

هدف خلقت «حیات» در آیات قرآن کریم، آزمایش انسان معرفی شده است: «الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم أیکم أحسن عملا» ۶۰

مسأله حیات و زندگی موجودات زنده اعم از گیاهی و حیوانی، از پیچیده‌ترین مسائلی است که هنوز علم و دانش بشر نتوانسته است پرده از روی اسرار آن بردارد و به مخفیگاه آن گام بگذارد که چگونه عناصر طبیعی و مواد آلی با یک جهش عظیم تبدیل به یک موجود زنده می‌شود. ممکن است یک روز بشر بتواند با استفاده از ترکیبات مختلف طبیعی در شرایط بسیار پیچیده‌ای موجود زنده‌ای به صورت مونتاز کردن اجزای یک ماشین که از پیش ساخته شده است، بسازد ولی نه عجز و ناتوانی امروز بشر و نه توانایی احتمالی او در آینده بر این کار، هیچیک نمی‌تواند از اهمیت موضوع حیات و حکایت نظام پیچیده آن از یک مبدأ عالم و قادر بکاهد ۶۱.

مسأله حیات به اندازه‌ای با اهمیت است که انبیای بزرگی چون حضرت موسی و ابراهیم علیهما السلام در برابر فرعون و نمرود به آن استدلال کرده‌اند:

ربی الذی یحیی و یمیت ۶۲

و انزلنا من السماء ماء فأخرجنا به ازواجنا من نبات شتی ۶۳

در آیات فوق مورد اول مربوط به استدلال حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر نمرود است و آیه دوم مربوط به حضرت موسی علیه السلام است که در این آیه اگرچه واژه «حیات» در آن به کار نرفته است ولی اشاره به آفرینش انواع رستنی‌ها از دل خاک به کمک باران دارد. آیه زیر را نیز در زمره این آیات می‌توان قرار داد که در آن به توحید استدلال شده و خطاب به مسلمانان است:

کیف تکفرون بالله و کنتم امواتا فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون ۶۴

طیبه

طیبه به معنی پاک، حلال و امثال آن است ۶۵ و از آنجایی که در قرآن به همراه «حلال» آمده است (یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالا طیبا) ۶۶ آن را به پاکیزه تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند: «طیب» به چیزهای پاکیزه گفته می‌شود که موافق طبع سالم انسانی است، نقطه مقابل خبیث که طبع آدمی از آن تنفر دارد ۶۷ و نیز

۵۸ - رعد: ۲۶.

۵۹ - یونس: ۷.

۶۰ - ملک: ۲.

۶۱ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۵۶، و نیز ج ۱۸، ص ۳۷۲، و ج ۱، ص ۱۶۰.

۶۲ - بقره: ۲۵۸.

۶۳ - طه: ۵۳.

۶۴ - بقره: ۲۸.

۶۵ - راغب اصفهانی، مفردات، ص ۵۲۷، رطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۰۳.

۶۶ - بقره: ۱۶۸.

۶۷ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۶۹.

آورده‌اند که کلمه «طیب» در مقابل کلمه «خبیث» معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را می‌دهد، مثل «کلمه طیب» که به معنای آن سخنی است که گوش از شنیدنش خوش آید و «عطر طیب» که به معنای آن عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و «مکان طیب» یعنی آن محلی که با حال کسی که می‌خواهد در آن محل جا بگیرد سازگار باشد ۶۸

در آیات زیر به تضاد و تقابل «خبیث» با «طیب» اشاره شده‌است:

قل لا یستوی الخبیث و الطیب ۶۹

لیمیز الخبیث من الطیب ۷۰

لا تتبدلوا الخبیث بالطیب ۷۱

در قرآن کریم «لطیب» و «الطیبه» برای توصیف موارد زیر به کار رفته‌اند:

مسکن؛ و مساکن طیبه فی جنات عدن ۷۲

خاک؛ ف تیمموا صعیدا طیباً فامسحوا بوجوهکم ۷۳

خوردنی‌ها؛ یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً ۷۴.

شهر؛ کلوا من رزق ربکم و اشکروا له بلده طیبه و رب غفور ۷۵ (به شهر مدینه النبی نیز در برخی از روایات اطلاق «طیبه» شده‌است ۷۶).

باد؛ حتی اذا کنتم فی الفلک و جرین بریح طیبه ۷۷

غنیمت؛ فکلوا مما غنمتم حلالاً طیباً ۷۸

سخن و کلام؛ الیه یعود الکلم الطیب ۷۹

درخت و شجره؛ الم ترکیف ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه ۸۰

۶۸ - طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۳۱

۶۹ - مائده: ۱۰۰.

۷۰ - انفال: ۳۷.

۷۱ - نساء: ۲.

۷۲ - توبه: ۷۲ و صف: ۱۲.

۷۳ - نساء: ۴۳ و مائده: ۶.

۷۴ - بقره: ۱۶۸.

۷۵ - سبأ: ۱۵.

۷۶ - شریف مرتضی، رسائل مرتضی، ج ۴، ص ۶۰.

۷۷ - یونس: ۲۲.

۷۸ - انفال: ۶۹.

۷۹ - فاطر: ۱۰.

ذریه و فرزندان؛ قال هب لی من لدنک ذریه طیبه ۸۱

زنان و مردان؛ الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات ۸۲

تحت پروردگار؛ فسلموا علی انفسکم تحیه من عند الله مبارکه طیبه ۸۳

حیات و زندگی؛ من عمل صالحا من ذکر و انثی و هو مومن فلنحیینه حیوه طیبه ۸۴

هر یک از این موارد با معنای لغوی «طیب» سازگار است.

حیات طیبه

در بررسی واژه حیات متوجه شدیم که حیات هم در مورد دنیا اطلاق می‌شود و هم در مورد آخرت (الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الاخره ۸۵ و ...) و واژه طیب نیز هم در موارد دنیوی به کار رفته‌است (فتیموا صعبدا طیبا ۸۶ و ...) و هم در موارد مربوط به آخرت (ومساکن طیبه فی جنات عدن ۸۷ و ...) پس در اطلاق جداگانه واژه‌های «طیب» و «حیات» هیچ نوع محدودیتی نسبت به مسائل دنیوی و اخروی وجود ندارد.

اگر بار دیگر به آیه ۹۷ سوره نحل نظری بیفکنیم متوجه خواهیم شد که شرایط رسیدن به حیات طیبه دو چیز است:

انجام عمل صالح

با ایمان بودن

لذا در اینجا به بررسی سایر مواردی می‌پردازیم که در قرآن کریم ایمان و عمل صالح توأمان ذکر شده‌اند تا طبق وعده‌ای که داده‌ایم از قرآن، مفاهیم مورد نظر را استخراج کنیم.

به مومنانی که عمل صالح انجام دهند وعده‌های زیر داده شده‌است:

پهشت

والذین ءامنوا و عملوا الصالحات لنیوثنهم من الجنة غرفاً ۸۸

۸۰ - ابراهیم: ۲۴.

۸۱ - آل عمران: ۳۸.

۸۲ - نور: ۲۶.

۸۳ - نور: ۶۱.

۸۴ - نحل: ۹۷.

۸۵ - ابراهیم: ۳.

۸۶ - نساء: ۴۳.

۸۷ - توبه: ۷۲.

۸۸ - عنکبوت: ۵۸.

ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات النعيم ٨٩

اجر و پاداش

واما من آمن و عمل صالحاً فله جزاء الحسنی ٩٠

من آمن بالله واليوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم ٩١

استجابت دعا

يستجيب الذين آمنوا و عملوا الصالحات ٩٢

مغفرت پروردگار

ليجزى الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة ٩٣

پوشاندن سيئات

والذين آمنوا و عملوا الصالحات لنكفرن عنهم سيئاتهم ٩٤

ومن يؤمن بالله ويعمل صالحاً يكفر عنه سيئاته ٩٥

داخل شدن در صالحان

والذين آمنوا و عملوا الصالحات لندخلنهم في الصالحين ٩٦

هدايت پروردگار

ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات يهديهم ربهم بايمانهم ٩٧

درجات والا

من ياته مؤمناً قد عمل الصالحات فاولئك لهم الدرجات العلى ٩٨

٨٩ - لقمان: ٨.

٩٠ - كهف: ٨٨.

٩١ - بقره: ٦٢.

٩٢ - شوری: ٢٦.

٩٣ - سبأ: ٤.

٩٤ - عنكبوت: ٧.

٩٥ - تغابن: ٩.

٩٦ - عنكبوت: ٩.

٩٧. □ - یونس: ٩.

حرکت از ظلمت به سمت نور

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصالحات الی النور ۹۹

رحمت پروردگار

فأما الذین ءامنوا و عملوا الصالحات فیدخلنهم ربهم فی رحمته ۱۰۰

عاقبت نیکو

الذین ءامنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن ماب ۱۰۱

جانشین روی زمین

وعدالله الذین ءامنوا و عملوا الصالحات لسیئتخلفنهم فی الارض ۱۰۲

قرار دادن محبت در دلها

ان الذین ءامنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا ۱۰۳

ذکر این نکته نیز لازم است که در قرآن در برخی موارد به توصیف افراد مؤمن پرداخته که اعمال صالح انجام می‌دهند، در جایی آنها «اصحاب بهشت» معرفی شده‌اند (والذین ءامنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجنة) ۱۰۴ و گاهی از جمله «رستگاران» (فاما من تاب و امن و عمل صالحا فعسی ان یکون من المفلحین) ۱۰۵ و در جایی دیگر «بهترین آفریدگان» (ان الذین ءامنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة) ۱۰۶ معرفی شده‌اند.

آیه (من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاه طیبه) ۱۰۷ از لحاظ مفهوم با آیه ۲۴ سوره انفال مشابهت‌هایی دارد که در یافتن مفهوم حیات طیبه کمک خواهد کرد، آیه مزبور چنین است:

«یا ایها الذین ءامنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم»

۹۸ - طه: ۷۵.

۹۹ - طلاق: ۱۱.

۱۰۰ - جاثیه: ۳۰.

۱۰۱ - رعد: ۲۹.

۱۰۲ - نور: ۵۵.

۱۰۳ - مریم: ۹۶.

۱۰۴ - بقره: ۸۲.

۱۰۵ - قصص: ۶۷.

۱۰۶ - بینه: ۷.

۱۰۷ - نحل: ۹۷.

آیه فوق با صراحت می‌گوید که دعوت اسلام، دعوت به سوی حیات و زندگی است؛ حیات معنوی، حیات مادی، حیات فرهنگی، حیات اقتصادی، حیات سیاسی به معنای واقعی، حیات اخلاقی و اجتماعی و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها. این تعبیر کوتاه‌ترین و جامع‌ترین، تعبیری است که درباره اسلام و آیین حق آمده، اگر کسی بپرسد اسلام هدفش چیست؟ و چه چیز می‌تواند به ما بدهد؟ در یک جمله کوتاه می‌گوییم هدفش حیات در تمام زمینه‌هاست و این را به ما می‌بخشد؛ ۱۰۸؛ جالب اینجاست که در قرآن میان دعوت به سوی پروردگار و عمل صالح رابطه برقرار شده است آنجا که می‌فرماید: «و من احسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین» ۱۰۹.

مفسران در باره معانی حیات طیبه نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند:

- ۱- قناعت: جاء فی تفسیر قوله تعالی: «فلنحیینه حیوه طیبه» قال نعطیه القناعه ۱۱۰.
- ۲- سعادت: قال الاخرون: الحیاه الطیبه السعاده ۱۱۱.
- ۳- رزق حلال: عن ابن عباس فی قوله «امن اعلم صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیوه طیبه» قال الرزق الطیب ۱۱۲.
- ۴- بهشت: انها الجنه، عن قتاده، ومجاهد، وابن زید. قال الحسن: لا یطیب لأحد حیاة إلا فی الجنه. وقال ابن زید: ألا ترى... (یا لیتنی قدمت لحياتی) ۱۱۳ (۱۱۴).
- ۵- رزق روزانه: إنها رزق یوم بیوم ۱۱۵.
- ۶- حیات طیب در قبر: إنها حیاة طیبه فی القبر ۱۱۶.

۱۰۸ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۲۷.

۱۰۹ - فصلت: ۳۳.

۱۱۰ - دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۱۸ و ر.ک. شیخ طوسی، امالی، ص ۲۷۵؛ علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۴۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۵۹ و ج ۱۱، ص ۱۹۸ و ج ۱۹، ص ۵۵ و نیز فیض کاشانی، تفسیر الأصفی، ج ۱، ص ۶۶۲؛ ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۷۰؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴، همچنین ر.ک. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷.

۱۱۱ - طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴ و ر.ک. قرطبی محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۱۱۲ - سفیان بن سعید، تفسیر سفیان الثوری، ص ۱۶۶ و ر.ک. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴؛ قرطبی محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷.

۱۱۳ - فجر: ۲۴

۱۱۴ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷ و ر.ک. قرطبی محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۲۴.

۱۱۵ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۲۷

۷- توفیق به اطاعت پروردگار: توفیقه إلى الطاعات فإنها تؤدیه إلى رضوان الله ۱۱۷

۸- خندیدن: قال معناه الضحاک ۱۱۸

۹- شیرینی اطاعت پروردگار: وقال أبو بكر الوراق: هی حلاوة الطاعة ۱۱۹

۱۰- شناخت پروردگار: قال جعفر الصادق [علیه السلام]: هی المعرفة بالله ۱۲۰

۱۱- استغناء از خلق و نیاز به پروردگار: قيل الاستغناء عن الخلق والافتقار إلى الحق ۱۲۱.

آنها که آیه فوق را تنها به «جهاد» یا «ایمان» یا «قرآن» یا «بهشت» تفسیر کرده‌اند و این امور را به عنوان تنها عامل حیات در آیه فوق معرفی کرده‌اند؛ در حقیقت مفهوم آیه را محدود ساخته‌اند؛ زیرا مفهوم آیه همه اینها را در بر می‌گیرد و بالاتر از آنها هر فکر، هر برنامه و هر دستوری که شکلی از اشکال حیات انسانی را بیافریند، در آیه فوق مندرج است ۱۲۲.

با توجه به نتایجی که از انجام عمل صالح نصیب مومنان می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که حیات طیبه می‌تواند هریک از موارد زیر باشد (اگر چه نظر قطعی نمی‌توان در این زمینه داد): بهشت، پاداش، استجاب دعا، مغفرت پروردگار، پوشاندن سیئات، داخل شدن در جمع صالحان، هدایت، درجات والا، حرکت از ظلمت به نور، رحمت پروردگار، عدم خوف، عاقبت نیکو، جانشینی در روی زمین و قرار دادن محبت در دلها.

پس مفهوم حیات طیبه آنچنان وسیع و گسترده است که همه اینها و غیر اینها را در برمی‌گیرد. زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزیی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد ۱۲۳.

ایمان که یک نوع درک و دید باطنی است، یک نوع علم و آگاهی توأم با عقیده قلبی و جنبش و حرکت است، یک نوع باور است که در اعماق جان انسان نفوذ می‌کند و سرچشمه فعالیت‌های سازنده می‌شود، ۱۲۴.

اگر توأم با عمل صالح شود «حیات طیبه» را به بار می‌نشانند. یعنی تحقق جامعه‌ای‌ترین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعادل و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی و انحصار طلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد در امان است ۱۲۵.

۱۱۶ - پیشین.

۱۱۷ - قرطبی محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۱۱۸ - پیشین.

۱۱۹ - پیشین.

۱۲۰ - پیشین.

۱۲۱ - پیشین.

۱۲۲ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۲۸.

۱۲۳ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۱۲۴ - پیشین، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

۱۲۵ - پیشین، ج ۱۱، ص ۳۸۹-۳۹۰.

در اینجا سوالی مطرح می‌شود و آن این است که زندگانی معصومین علیهم‌السلام سرشار از ایمان و عمل صالح بوده است، با این حال آن بزرگواران در زندگی دنیوی تحت شدیدترین شکنجه‌ها بوده‌اند، این مساله با مفهوم حیات طیبه چگونه سازگار است؟

این سوال بیان می‌کند که نظر افرادی که با توجه به ادامه آیه که در آن سخن از جزای احسن الهی به میان آمده است (ولنجزینهم اجرهم باحسن ما كانوا یعملون ۱۲۶) استفاده کرده‌اند که حیات طیبه مربوط به دنیاست و جزای احسن مربوط به آخرت ۱۲۷، درست نخواهد بود و یا حداقل کافی نخواهد بود؛ پس حیات طیبه می‌تواند هم حیات اخروی باشد و هم حیات دنیوی و ظهور و بروز مرتبه‌ای از آن برای مومنی که عمل صالح انجام می‌دهد واقعیتی است غیر قابل انکار، و این تفسیری است که علامه طباطبایی در تفسیر «حیات» آورده است؛ وی در این زمینه می‌نویسد: «حیات» به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است، پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مومنی که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر از آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش تغییر می‌کند؛ مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبه می‌کند که اصل حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد؛ زیرا اگر مقصود این بود کافی بود بفرماید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم»، ولی اینطور نفرمود؛ بلکه فرمود: «ما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم» ۱۲۸. علامه در جای دیگر نوشته است: [حیات طیبه] حیاتی است واقعی و جدید که خداوند آن را به کسانی که سزاوارند افاضه می‌فرماید و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترکند نیست؛ در عین اینکه غیر آن است، همان است، تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد، پس کسی که دارای آنچنان زندگی است دو جور زندگی ندارد؛ بلکه زندگی‌اش قوی‌تر و روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است ۱۲۹.

بررسی معنای لغوی «حیات» و «طیبه» و موارد کاربرد آن در قرآن که قبلاً به آنها اشاره شد به ما در این مرحله کمک نموده و ما را به نتایج زیر رهنمون خواهد کرد: منظور از «حیات» در «حیات طیبه» زندگی نباتی و حیوانی و نجات از مرگ، به طور قطع نیست.

«حیات» می‌تواند حیات فکری و عقلانی یا زندگی جاویدان در سرای دیگر باشد ولی محدود به این نوع از حیات نیست. در برخی از روایات به این نوع از زندگی اشاره شده است، به عنوان نمونه از جمله مستحبات روز عرفه خواندن دعای زیر است که در آن اشاره به حیات طیبه در جهان آخرت شده است: اللهم اجعلنی ممن رضیت عمله و اطلت عمره و احييته بعد الموت حياه طيبه ۱۳۰. (هرچند آنچه در این روایت ذکر شده است با معنای سوم حیات نیز مطابقت دارد که در مورد سوم آن معنا را مورد کنکاش قرار می‌دهیم).

مرتبه والایی از حیات می‌تواند مورد نظر باشد و آن حیات واقعی است که فقط در مورد ذات باری تعالی به کار می‌رود «لا اله الا هو الحي ۱۳۱». اگر این معنا در مورد انسان تحقق یابد «محو شدن کامل در ذات باری تعالی» را معنا می‌دهد، این حیات کاملی است که بعد از آن خسران و نابودی معنا ندارد و کسی که به آن برسد، گذر زمان و مکان در وی تاثیر نخواهد کرد و اینجاست که می‌توان گفت ائمه اطهار علیهم‌السلام به این حیات طیبه رسیده‌اند و محو در ذات باری تعالی شده‌اند به طوری که گذشت سال‌ها بلکه قرن‌ها از زنده بودن نام و یاد آنها نخواهد کاست. آیا زنده بودن نام و یاد امام حسین علیه‌السلام را جز این تفسیر می‌کنید؟ آیا زنده بودن نام و

۲- نحل: ۹۷.

۳- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۴- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۹۱ □□.

۵- پیشین، ص ۴۹۳.

۶- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸۳.

۷- بقره: ۲۵۵ و آل عمران: ۲.

یاد ائمه اطهار علیهم السلام و آنهایی که صادقانه در راه خدا به شهادت رسیدند و آیا اینکه بعد از گذشت چهارده قرن هنوز نام بلال حبشی، صهیب رومی، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، اویس قرنی، مالک اشتر، ابوالفضل العباس، زینب کبری و ... بر تارک تاریخ می درخشند جز با محو شدن در ذات باریتعالی معنا می یابد؟ آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که این تفسیر را تأیید می کند:

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون ۱۳۲.

و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون ۱۳۳.

این آیات در واقع مصداقی از عمل صالح را که جهاد در راه خداوند است برشمرده و می گوید مومنان شهید شده در راه خداوند به یک زندگانی در نزد خداوند واصل شده اند. با در نظر گرفتن این معنی برای حیات طیبه، برخی از مصادیق آن که در برخی از روایات به آنها اشاره شده است هر کدام مراتب پایین تر این حیات الهی است و یا هر یک بطنی از بطون قرآن را ارائه می دهد که در برخی از روایات بطون معانی قرآن تا هفتاد بطن شمرده شده اند ۱۳۴.

نتیجه اینکه منظور از «حیات طیبه» در قرآن «محو شدن در ذات باریتعالی» است که به هر فرد مومن به تناسب ایمان و عمل صالحی که انجام می دهد مرتبه ای از آن اعطا می شود و مفهوم آیه شریفه «من عمل صالحا من ذکر أو أنثی وهو مؤمن فلنجزيه حیاة طیبة ولنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون» چنین است: هر فرد بالیمانی - اعم از مرد یا زن - که عمل صالحی انجام دهد، خداوند او را به حیات طبیعی زنده می کند و او را محو در ذات خود می نماید و علاوه بر این، بهترین پاداش ها را به خاطر اعمالشان به آنها عطا می فرماید.

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و ممانی ممان محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین

کتابشناسی؛

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ ۱)، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.

حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ش.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، [ابی جا]، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، بیروت، دارالشامه، الطبع الاولی، ۱۴۱۲ق، ۱۹۹۲م.

رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، مولفان: علی اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی راد، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۷۹ش.

سفیان بن سعید، تفسیر سفیان الثوری، تحقیق: لجنة من العلماء، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۳ق.

۱- بقره: ۱۵۴.

۲- آل عمران: ۱۶۹.

۳- ر.ک. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، ص ۳۷۳.

شریف مرتضی، رسائل مرتضی، تحقیق: احمد الحسینی، قم، دارالقرآن، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ق.

شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن الخراسان، تصحیح: محمد آخوندی، [تهران]، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعه، ۱۳۶۵ش.

□، امالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۰۴ق.

طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰ش.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، [تهران]، رابطہ الثقافه و العلاقات الاسلامیه، مدیریه الترجمة و النشر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق، ۱۹۹۷م.

طبری، محمدبن جریر، جامع البیان عن تأویل الآی القرآن، ضبط: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

علی بن ابرهیم، تفسیر القمی، قم، موسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.

عمیدزنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن (روش‌شناسی تفسیر قرآن)، [ویرایش ۴]، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات،

چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.

فیض الکاظمی، محمدمحسن، الأصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، [بی‌جا]، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، الطبعة الاولى،

۱۴۱۸ق.

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، بیروت، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۰۵ق.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ش.

_____ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

ج ۱، ویرایش دوم، چاپ سی‌ونهم، ۱۳۷۹ش.

ج ۵، چاپ بیست‌وپنجم، ۱۳۷۹ش

ج ۷، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۱ش.

ج ۱۱، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۲ش.

ج ۱۸، چاپ دهم، ۱۳۷۲ش.

ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه، [بی‌تا]